

عیدالله الاکبر



غدیر در آثار اسلامی ما به «عیدالله الاکبر»، «یوم العهد المعهود» و «یوم الميثاق المأخوذ» تعبیر شده است. این تعبیرات که نشان دهنده تأکید و اهمتمی خاص به این روز شریف است. خصوصیتش در مسأله ولایت است. آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است. والا اگر آحاد مردم، ایمان و عقیده و عمل شخصی داشته باشند، لیکن حاکمیت چه در مرحله قانونگذاری و چه در مرحله اجرا - در دست دیگران باشد، تحقق اسلام در آن جامعه، به انصاف آن دیگران بستگی دارد.

اگر آنها افراد بی انصافی بودند، مسلمانان همان وضعی را پیدا می کنند که شما امروز در کوزوو، دیروز در بوسنی و هرزگوین، دیروز و امروز در فلسطین و در جاهای دیگر شاهدش بوده اید و هستید - ما هم در ایران مسلمان عریق و عمیق خودمان، سالهای متمادی همین را مشاهده می کردیم - اما چنانچه حکام، قدری با انصاف باشند، اجازه خواهند داد که این مسلمانان به قدر دایره خانه خودشان - یا حداقل ارتباطات محله ای - چیزهایی از اسلام را رعایت کنند؛ ولی اسلام نخواهد بود.

بیانات به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۸/۱/۱۶

اگر تخلف نمی شد...

امروز ما و جامعه بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم. در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست؛ بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد؛ بلکه همه جا هست - زورگویی هست، ولایت نابحق انسانها بر انسانها هست؛ همان چیزهایی که چهار هزار سال پیش، دو هزار سال پیش به شکل های دیگری وجود داشته است. امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگها عوض شده است.

«غدیر» شروع آن روندی بود که می توانست بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله دیگری وارد کند. آن وقت نیازهای لطیف تر و برتر، و خواهش ها و عشق های به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل می داد. راه پیشرفت بشر که بسته نیست. ممکن است هزارها سال یا میلیون ها سال دیگر بشریت عمر کند؛ هر چه عمر کند، پیوسته پیشرفت خواهد داشت. منتهی امروز پایه های اصلی خراب است؛ این پایه ها را پیغمبر اسلام بنیانگذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسأله وصایت و نیابت را قرار داد؛ اما تخلف شد. اگر تخلف نمی شد، چیز دیگری پیش می آمد.

«غدیر» این است. در طول دوران دوست و پنجاه ساله زندگی ائمه (علیهم السلام) - که عمر دوران ظهور ائمه از بعد از رحلت پیغمبر تا زمان وفات حضرت عسکری، دوست و پنجاه سال است - هر وقت ائمه توانسته اند و خودشان را آماده کرده اند تا این که به همان مسیری که پیغمبر پیش بینی کرده بود، برگردند؛ اما خب، نشده است دیگر. حالا ماها در این برهه از زمان، به میدان آمده ایم و همتی هست به فضل و توفیق الهی و ان شاء الله که به بهترین وجهی ادامه پیدا کند.

دردیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

نیاید طرح مسأله غدیر به جدایی مسلمان ها بینجامد

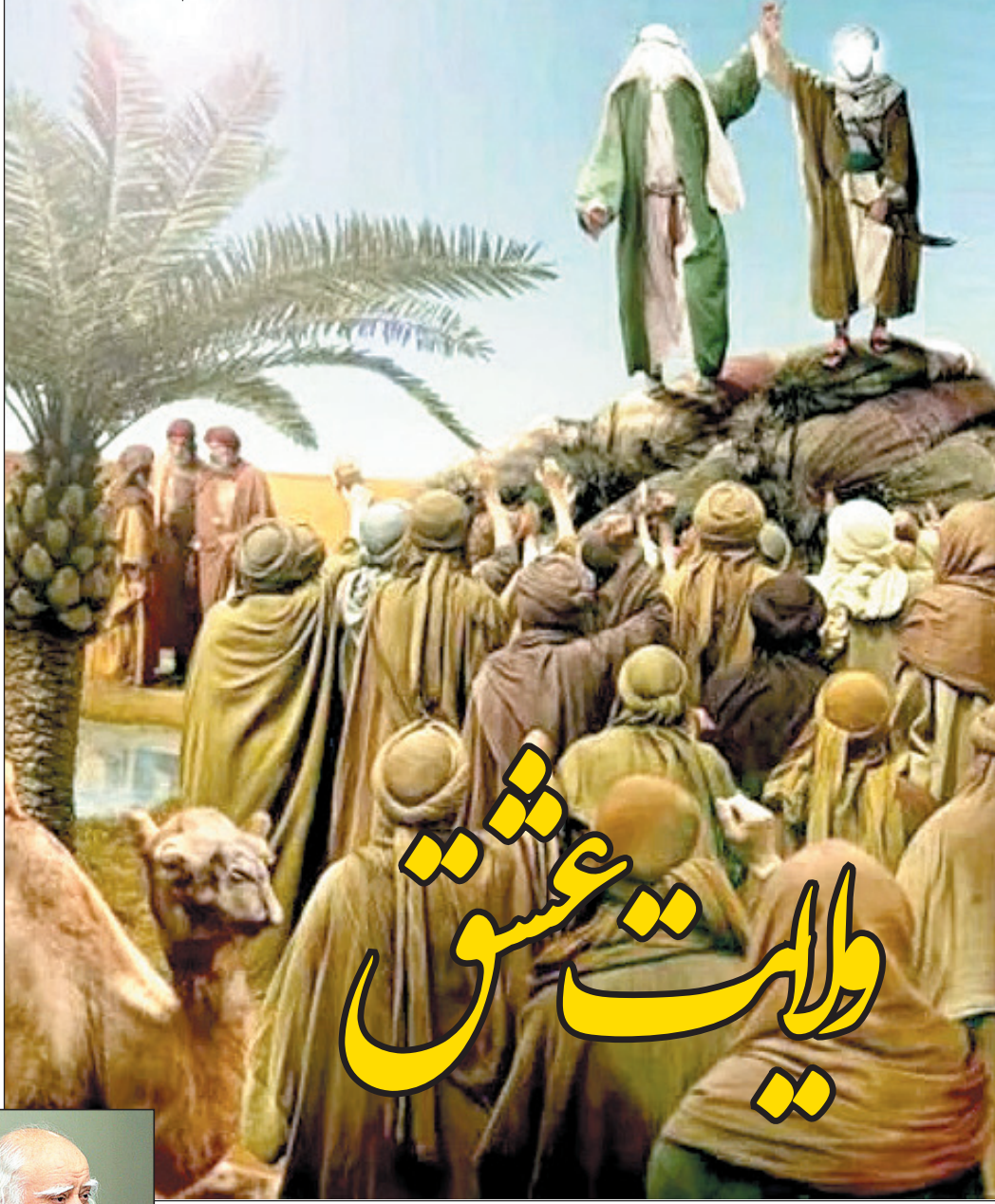
مرحوم آقای مطهری (رضوان الله علیه) مقاله ای به نام «الغدیر و وحدت اسلامی» دارد. ایشان در آن، این مسأله را تبیین می کند که طرح مسأله غدیر، چطور می تواند وسیله ای باشد برای نزدیک کردن دلهای مسلمان ها به همدیگر. مرحوم علامه امینی هم عقیده شیعه را در «الغدیر» اثبات کرده است؛ اما کتاب، بیان، لحن، سلیقه و شیوه برخورد او با مسأله، طوری است که همه مسلمین را جذب می کند.

شما تقریظ هایی را که مسلمانان مصر، شام و دیگر نقاط دنیا بر کتاب ایشان نوشته اند، ببینید. ما باید توجه داشته باشیم که نوع طرح مسأله، طوری نباشد که به جدایی مسلمان ها بینجامد. این خیلی مهم است. الان جمعیت انبوهی از مسلمانان دنیا به مکتب و مذهب ما معتقدند و در دنیا هم آبرومندند. هم جمهوری اسلامی در ایران و هم شیعیان در هر نقطه ای که هستند، مردم آبرومندی هستند و در عراق، لبنان و جاهای دیگر، مسلمان ها به وجود آنها افتخار می کنند.

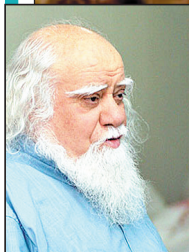
ادامه در صفحه ۲

اطلاعات

دو شنبه ۱۳۷۲ - ۱۲ سالگی در هشتم شهریور ۱۳۶۹



ولایت عشق



استاد محمد رضا حکیمی

حضرت علی (ع) و خطبه غدیر

و نگهداشت آنان که اهل ولایت اویند؛ یعنی کسانی که در روز دوح (غدیر) درباره آنان آیت فرستاد، و اراده خویش را در حق بندگان خاص و گزیدگان خود اظهار داشت. و پیامبر را فرمود تا ابلاغ کند و گمراهان و منافقان را به چیزی نشمرد. و خود ضمانت کرد که او را از بد ایشان نگاه دارد. بدین گونه و با اشاره (به نگهداشت پیامبر از بداندیشان) درون آنان را که به ریب اندر بودند نمایان ساخت، و از باطن آن کسان که راه ارتداد می سپردند پرده افکند. اینجا بود که هم مؤمن و منافق، آنچه را باید بدانند دانستند. سپس آن کس که بی پروا بود و لالایی، از حق روی گردانید و آن کس که پا بر جای بود و استوار، بر پذیرفتن حق پای فشرده. و اینجا بود که جهالت پیشگی منافقان و خیره سری نابفرمانان فرونی گرفت، و بس دندان بر دندان فشرزدند و دست بر دست زدند. یکی سخن گفت، یکی بانگی کرد، و آن کس که نابفرمانی پیشه ساخته بود، بر همان سر بایستاد. در این میان گروهی دیگر اعتراف کردند، اما نه از ته دل و نه از سر ایمان، چنانکه گروهی دیگر اعتراف کردند هم به زبان و هم از جان. بدین سان، خداوند دین خویش را کامل کرد و با کامل کردن دین، چشم پیامبر و مؤمنان و تابعان او را روشن ساخت، و این همان (واقعه غدیر) بود که برخی تان خود شاهد آن بودید و به برخی دیگر تان خبر آن رسید. و بدین واقعه، آن وعده نیکوی خداوند به شکیبایان در پیوست و پرداخته های فرعون و هامان و قارون و سپاه اینان و تختگاهشان را تباہ و ویران کرد. اما گروهی گمراه برجای ماندند که در تباہ ساختن کار مردمان هیچ فرو نگذارند.

ادامه در صفحه ۲

در یکی از روزهای خلافت امیرالمؤمنین (ع)، روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه)، که مصادف با روز جمعه بود، حضرت پس از حمد و ثنای پروردگار این خطبه عجیب را خواند: پس از این باید بگویم، ای جماعت مؤمنان! خدای عزوجل - در این روز برای شما دو عید فراهم کرد؛ دو عید بزرگ سترگ، که یکی از این دو جز به آن دیگری استوار نتواند بود. این چنین کرد تا نیکی را در حقتان به اتمام رساند و از راه درست آگاهتان کند، و در پی روشندان تان برد از پرتو هدایت او فروغ یافته، و رهسپارتان سازد به راه روشن دین خود، و فراوان بر سرتان ریزد از نعمت های خویش.

بدین روی، جمعه را روز اجتماع قرار داد و همه را به شرکت کردن در آن فرا خواند، تا آنچه در روزهای هفته کرده اید، تطهیر پذیرد و کژی و کاستی هایی که در کار و کسبستان روا داشته اید؛ جمعه به جمعه، به هنجار آید و تصحیح شود. هم در این روز است یادکرد مؤمنان یکدیگر را، و هم پدیدار شدن بیم پرهیزکاران از خداوند. و در این روز است که خداوند پاداش کردار نیکوکاران را چندین برابر دیگر روزها دهد. اما کار به اینجا تمام نشود، مگر آن که هر چرا که فرموده است به جای آرید، و از آنچه نهی کرده است دست بکشید، و برای کارهایی که به تأکید امر کرده است، فروتنانه کمر اطاعت بندید.

اکنون بدانید که اعتقاد به توحید پذیرفته نیست، مگر با اعتراف به نبوت محمد (ص) و هیچ اعتقاد و عملی قبول نیست، مگر با قبول ولایت و سرپرستی آن کس که خداوند، خود، او را ولی و سرپرست قرار داده است. و آیین طاعت خدا بهنجار نخواهد بود، مگر چنگ در زیند به توفیق و نگهداشت خدایی